

اگرچه الگوی دولت مقدس، متمرکز و حامی در فرهنگ سیاسی ترک اطاعت از حاکمیت را خط قرمز می‌داند، اما در واقع نوعی خودمختاری را برای حوزه اجتماعی پذیرفته و ترجیح داده که این حوزه به دست گروه‌های فعال مذهبی در جامعه شکل گیرد و طراحی شود.

دیگر فرهنگ سیاسی، مدیریت مرکزی، نیز در میان ترک‌ها قوی است. دلیل این امر این است که سلجوقیان آناتولی مجبور بودند هم با صلیبیون و هم با حملات مغول به شدت مبارزه کنند. بنابراین، نوعی اداره سیاسی که در آن اداره مرکزی مسلط بوده اجرا گردیده است. هدف اصلی دولت در فرهنگ سیاسی ترک نیز در درجه اول تضمین تداوم خود، ایجاد امنیت و تأمین رفاه مردم است.^۴

علاوه بر نکات ذکر شده، سلجوقیان آناتولی و اولین سلاطین عثمانی توسعه به سوی غرب را هدفی راهبردی برای خود تعیین کردند و در این راستا پیوسته وارد جنگ با نیروهای غربی-مسیحی شدند. این راهبرد به نوعی حمایت از جهان اسلام ارزیابی شده است. این یکی از دلایل اصلی ای است که اسلام‌گرایی ترک این دوره را اتوپیایی کرد. گسترش حاکمیت ترک‌ها از طریق جنگ با قدرت‌های غربی به آن‌ها هویتی قوی داد که دیگری آن غرب بوده است. اینکه ترک‌ها با این هویت در صحنه تاریخ نسبت به گذشته خود جهش کردند باعث شد که در حافظه جمعی اسلام نام دیگر ترک باشد. این اتوپیاسازی و حافظه اجتماعی باعث شد که اسلام‌گرایان حتی برخی رفتارهای غیراسلامی سلاطین عثمانی را با عنصر مصلحت عمومی توجیه کنند.

ویژگی‌های مرکزی و قدسی دولت در فرهنگ سیاسی ترک در واقع تصویر یک مدل سلطه شرقی کلاسیک را آشکار می‌کند. اما نکته مهم در اینجا این است که تحت سیطره این فرهنگ سیاسی، سبک زندگی دینی-مدنی‌ای که امروزه به عنوان الهیات اجتماعی مفهوم‌سازی می‌شود، در سرزمین‌های آناتولی به وجود آمده و نوع رابطه بین دین و سیاست و دولت و گروه مذهبی‌ای که به موازات آن شکل گرفته در سطح مسائل و پیامدهای تمدنی به کارکرد سیستم کلان کمک کرده است.

اگرچه الگوی دولت مقدس، متمرکز و حامی در فرهنگ سیاسی ترک اطاعت از حاکمیت را خط قرمز می‌داند، اما در واقع نوعی خودمختاری را برای حوزه اجتماعی پذیرفته و ترجیح داده که این حوزه به دست گروه‌های فعال مذهبی در جامعه شکل گیرد و طراحی شود.

بنابراین، مهندسی دولت برای دگرگونی جامعه، که برخاسته از ساختارهای توتالیتراید تئولوژی‌های مدرن است، خارج از محدوده الگوی دولت مقتدر مقدس سلجوقی-عثمانی است. از نظر اسلام‌گرایان ترک، جغرافیای آناتولی با این سیستم کلان کارکردی الگوی نظم منحصر به فردی را تولید کرد.

بنابراین، دلایل اسلام‌گرایان ترک را که آناتولی را در دوره یادشده مدینه فاضله و عصر سعادت خود می‌دانند می‌توان به شرح زیر برشمرد:

از نظر فلسفی و روان‌شناختی، تفسیر عرفانی-صوفیانه از اسلام در این دوره به لحاظ هستی‌شناختی به مردم آناتولی درک عمیقی از خود و هستی بخشیده است. این درک از خود و بینش هستی‌شناختی افرادی با اعتماد به نفس بالا و جهان بینی قوی و فراگیر را به وجود آورده است که لازمه سعادت فردی است. در این دوره، مهم‌ترین مفسران ابن عربی، مانند داود قیصری و ملا فناری، با مدیریت‌های رسمی فرهنگی و سیاسی خود در داخل دولت نقش فعالی در نهادینه‌سازی این تفسیر داشتند.^۵

اینکه دولت‌ها در این دوره حوزه اجتماعی را تحت سیطره صوفیان و عارفان قرار دادند باعث شد که حوزه اجتماعی عمده تحت تأثیر جنبه‌های عرفانی اسلام به یک محیط معنوی و سعادت‌مند تبدیل گردد. در نتیجه حضور فرقه و طریقت‌های مختلف صوفی و عارفان بزرگ چون مولانا و ابن عربی در آناتولی، یک فضای تساهل و تسامح پدید آمد و اسلام به عنوان نوعی چسب و سیمان اجتماعی همبستگی را فراهم کرده است.

این واقعیت که صوفیان و عارفان در آناتولی عموماً تابع شریعت بودند و در جنگ با نیروهای صلیبی در کنار دولت خود نقش فعالی داشتند باعث شد که این گروه‌های اهل تساهل و تسامح در حوزه اجتماعی روحیه جهادی نیز داشته باشند. این عنصر هویت مسلمانان آناتولی را شکل داده است. اینکه ساختار معنوی و عرفانی آرامش و همبستگی اجتماعی را به وجود می‌آورد و از سوی دیگر با روحیه جهادی در عرصه سیاسی عزت و استقلال و شور ایجاد می‌کرد باعث شد

این دوره عصر سعادت تلقی شود. یکی دیگر از دلایل اتوپیایی و عصر سعادت نامیدن این دوره تقسیم کار موفق و کارآمد در نظام اجتماعی سیاسی کلان است که ابعاد مختلفی دارد. این ساختار سیستمی که از فضای اسلامی در آناتولی برخاست مدل جدیدی برای معضل رابطه جامعه و دولت ارائه می‌کند که در دولت حداکثری سوسیالیستی-کمونیستی توتالیتر و نظریه دولت حداقلی لیبرال هنوز در چرخه افراط و تفریط حل نشده است. در این الگو، دولت با انجام وظایفی چون تأمین امنیت، رفع نیازهای اساسی، دفاع و تضمین استقلال کشور و حفظ آبرو و حیثیت مسلمانان رسالتی قوی برعهده می‌گیرد. در این مدل، حوزه اجتماعی نیز به مهندسی گروه‌های مذهبی خودمختار که با دولت هماهنگ هستند، یعنی به اصطلاح امروزی جامعه مدنی، واگذار می‌شود. هماهنگی، که در نتیجه تقسیم کار و انجام مأموریت‌های منحصر به فرد ساختار اجتماعی و سیاسی که دورکن نظام کلان را تشکیل می‌دهند پدید می‌آید، الگویی است که اسلام‌گرایی ترک به عنوان یکی دیگر از عناصر و مؤلفه‌های سعادت برجسته می‌کند.

+

ظهور اسلام‌گرایی

مهم‌ترین عامل تاریخی‌ای که فرهنگ سیاسی در آناتولی را از سایر جوامع متمایز می‌کند این است که این جغرافیا مرکز سیاسی تمدنی بود که نظم جهانی منحصر به فردی را در گذشته ایجاد کرد. اثرزین رفتن رابطه تقابلی این مرکز سیاسی با تمدن مخالف در طول زمان زیرساخت‌های روانی-اجتماعی‌ای را که فرهنگ سیاسی جامعه آناتولی را به وجود آورده تحت تأثیر قرار داده است. تلاش نخبگان سیاسی برای ایجاد ساختار سیاسی جدید منطبق با هنجارهای تمدن مقابل، در روندی که با تنظیمات در نیمه اول قرن نوزدهم آغاز شد، تأثیر کاملاً متزلزلی بر جامعه در جغرافیای عثمانی گذاشت. گفتمان رادیکالی که این روند پیوستن به تمدن مسلط غرب در دوران تنظیمات و به‌ویژه در نخستین سال‌های جمهوری مطرح کرد پیامدهای مهمی داشته است. فشار برای ایجاد فرهنگ